

داماد بازی!

علي شكوهي

دولت جديد با شعار مبارزه با رانت و فاساد و فاميلبازي راي آورد و اميدواريم بتواند در عمل به اين شعار پايبند باشد. البته در همين سه ماه از فعاليت دولت، مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی عزل و نصب‌ها براساس نسبت فاميلي جريان دارد و برخی گزينش‌ها با توصيه اين و آن صورت می‌گیرد. برخی معتقدند و خبر می‌دهند که يك کمیته نصب در نهادي خاص مستقر شده و فهرستي از افراد مورد قبول خود را در اختيار دارد و براي همه آنها در بدنه مدیریتی کشور جا باز می‌کند. براساس اين اقوال، جريانی که حکومت را یکدست کرده و بر اين باور است که بايد مدیران جوان و انقلابي را جایگزین مدیران کنوني کند، کاري به صلاحیت و تخصص و توانايي افراد جایگزین ندارد و برايش مهم است که در دولت جديد، يك خانه تکاني جدي اتفاق بیفتد و نیروهاي مورد قبول آنان در مصدر امور قرار بگیرند. طبعاً اگر بمانند و مدیریت آنان تداوم پیدا کند کار هم ياد می‌گیرند! در فضاي مجازي اما سيل دامادبازي راه افتاده و ده‌ها پیام و مطلب منتشر شده است که مدعای نسبت فاميلي میان برخی مدیران را دارد. در بررسی‌هاي انجام شده معلوم می‌شود که بسياري از اين ادعاها صحت ندارد اما در افکار عمومي جامعه، باورپذيري اين پیام‌ها بسيار بالاست. اين فضاي ساخته شده در درجه اول حکایت از اين دارد که مردم به حکومت و حاکمان بی‌اعتمادند و کشور را در چنبره برخی خانواده‌ها و هزارفاميل تصور می‌کنند و نمونه و شاهد هم کم ندارند. کم نیستند پیام‌هایی که سعی دارند نسبت فاميلي علمای بزرگ با یکدیگر را استخراج کنند و نشان دهند که بسياري از مدیران و مسوولان چند دهه گذشته به دليل نسبت فاميلي با اين علما و بزرگان انقلاب، به قدرت رسیده‌اند بدون آنکه صلاحیت لازم را داشته باشند. اگر اعتماد به مسوولان برجا بود و عملکرد گذشته حاکمان موید اين برداشت نبود، الان هر مطلب راست و دروغي در اين زمینه مورد استقبال قرار نمی‌گرفت و بازنشر نمی‌شد.

در سال‌هاي قبل از انقلاب يك اتفاق طبيعي، وصلت اعضاي خانواده‌هاي مذهبي با یکدیگر بود. در آن سال‌ها فرزندان علمای بزرگ به سراغ همسراني متناسب با خانواده خود می‌رفتند و ازدواج نیروهاي سياسي و مذهبي و انقلابي با یکدیگر بسيار طبيعي بود. نمی‌شود ايراد گرفت که

چرا همسر امام خميني دختر آيت‌الله ثقفى است يا مثلاً مرحوم آقامصطفى خميني با دختر مرحوم آقامرتضى حائرى يزدي يا سيداحمدآقا خميني با دختر آيت‌الله طباطبايي ازدواج کردند. اين فهرست را مي‌توان به شكل وسيع تهيه و تكميل كرد از علمايي كه داماد علماي بزرگ قبل از خود هستند يا نوه‌هاي علمايي كه با نوه‌هاي علماي ديگر ازدواج کرده‌اند. در آن سال‌ها تنها اعتقاد و مذهبي بودن و شناخت متقابل، دليل اين‌گونه ازدواج‌ها بود و هيچ پست و مقام حكومتي در انتظار دامادها نبود. اين روند در سال‌هاي بعد از انقلاب رنگ و بوي ديگري گرفت و نسبت‌هاي فاميلى به هر دليلي كه شكل گرفته باشد، منشا ارتباطات و كسب قدرت و ثروت شد و موقعيت افرادي را ارتقا داد و شايد كساني را هم مغضوب كرد. فضاي انقلابي حاكم بر كشور در سال‌هاي اول، اجازه سوءاستفاده فاميلى را كمتر مي‌داد و توصيه براي تصدي امور سياسي و اقتصادي كمتر جريان داشت. يكبار امام خميني در سخنانش تاكيد كرده بود كه اگر از من هم توصيه‌اي راديد بزنيد به ديوار و به همه مردم اطلاع بدهيد. همين فضا موجب ميشد كه فاميل بودن خيلي ثمرات مادي و موقعيت اجتماعي براي افراد نداشته باشد. در آن زمان در درون برخي خانواده‌هاي مذهبي و انقلابي شاهد كشاكش سياسي هم بوديم و كم نبودند فرزندانى كه حاضر به همراهي با پدر نبودند و دست به مبارزه با حكومت هم زدند و كارشان به اعدام هم كشيد. در اين وضعيت نه تنها فاميل فلاني بودن به درد آنان نمي‌خورد حتي اعضاي خانواده براي اثبات انقلابي بودن، برخوردهاي سخت‌گيرانه‌اي با فرزندان مخالف خود نشان مي‌دادند و رافت كمترى از آنان بروز مي‌كرد. در سال‌هاي بعد از جنگ، اوضاع عوض شد و به تدريج شاهد نفوذ سياسي و بهره اقتصادي و سهم مديريتي كساني شديم كه هيچ هنري از خود نداشتند جز آنكه نسبت فاميلى با فلان روحاني و آيت‌الله يا فلان مدير بانفوذ داشتند. در فضاي جديد بسياري از مديران براساس شاخص‌هاي مقبول و تخصص و توانايي مديريتي مسوول امور نشدند بلكه اموري مانند همسويي سياسي و ارتباط تشكيلاتي و نسبت فاميلى ارجحيت يافت. بعدها سهم نسبت فاميلى بيشتر از ملاك‌هاي ديگر شد و يكبار شاهد اين فاجعه شديم كه برادر و پسر و داماد و دختر فلان آيت‌الله و بهمان مسوول حكومتي، بر بسياري از اركان قدرت و ثروت و نفوذ حكومتي سيطره پيدا كردند در حالي كه اگر اين نسبت فاميلى وجود نداشت معلوم نبود الان در كجاي كشور و به چه كارهايي معمولي مشغول بودند.

به خاطر دارم اوایل انقلاب وقتي اتهامى را عليه مسوولان و رهبران انقلاب مي‌شنيديم تحقيق نكرده انكار مي‌كرديم. بعدها به تدريج با درست از آب درآمدن برخي از اين اتهامات، دست به عصا شديم و بنا

را بر تحقیق گذاشتیم و نه انکار و سعی می‌کردیم بدون موضع‌گیری ابتدا تحقیق کنیم. اکنون اما وضعیت به شکلی است که هر اتهامی علیه هر مسوولی بدون تحقیق پذیرفته می‌شود و برای انکارش باید کلی تلاش و مدرک و سند ارائه کرد. این تغییر ذهنیت مردم حکایت از تغییر رویه حکومتی دارد و بدون دلیل نیست ولو آنکه بسیاری از این ادعاها، غلط باشند. این نکته را هم بیفزایم که برخی ادعاهای دامادبازی در فضای مجازی صحت ندارد و باید تکذیب کرد. مثلاً رییس کل بانک مرکزی و معاون ایشان هیچ نسبتی با جناب مصباحی مقدم ندارند یا وزیر صمت دست به انتخاب برادرزن خود در مسوولیتی مهم نزده است. همچنین برخی دامادها هم در این شرایط مظلوم واقع می‌شوند و علی‌رغم داشتن صلاحیت، از انجام برخی امور یا تصدی برخی پست‌ها محروم می‌شوند تا ضربه‌ای به حیثیت خانوادگی آنان وارد نشود. واقعاً این افراد چه گناهی کرده‌اند که با فلان خانواده فعلاً مشهور ازدواج کرده‌اند؟ آیا اگر صلاحیت و شرایط احراز و تصدی یک مسوولیتی را دارند باز هم باید خود را کنار بکشند؟ اگر نظام گزینش مدیران سامان درستی داشت و تمایزی میان پست‌های سیاسی و پست‌های کارشناسی و تخصصی ایجاد می‌شد و برای تصدی پست‌های تخصصی، شرایط احراز معینی در نظر گرفته می‌شد، با تغییر دولت بسیاری از پست‌های تخصصی تحت تاثیر نگاه سیاسی یا نسبت فامیلی تغییر نمی‌کرد و ما شاهد بی‌ثباتی مدیریتی در پست‌های غیرسیاسی نبودیم. در آن صورت دامادبازی راه نمی‌افتاد و اعتبار مقامات رسمی بازیچه قدرت‌طلبی برخی نمی‌شد.